

فهرست مطالب

۷.....کودکانِ راه‌آهن

بر اساس داستانی از ای. نسیبت
بازنویسی از ماری سِباگ - مونتِه فیوره
به تصویرگری آِن مارکس

۶۷.....جادوگرِ شهرِ اُز

بر اساس داستانی از اِن. فرانک باوم
بازنویسی از رُزی دیکینز
به تصویرگری مائورو اِونجلیستا

۱۳۱.....باغ مخفی

بر اساسی داستانی از فرانسیس هاجسون برنت
بازنویسی از ماری سِباگ - مونتِه فیوره
به تصویرگری آِن مارکس

۱۹۳.....زیبایِ سیاه

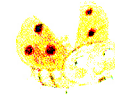
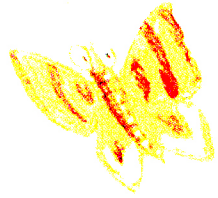
بر اساس داستانی از آنا سوئیل
بازنویسی از ماری سِباگ - مونتِه فیوره
به تصویرگری آِن مارکس

۲۵۳.....زنانِ کوچک

بر اساس داستانی از نویزا می آلکوت
بازنویسی از ماری سِباگ - مونتِه فیوره
به تصویرگری کریستا آرنر

۳۱۵.....هایدی

بر اساس داستانی از یوهانا اشپیری
بازنویسی از ماری سِباگ - مونتِه فیوره
به تصویرگری آِن مارکس



گهوڙگان راه آهن

پیتر پیشنهاد داد: «بیایید از صخره‌ها پایین بریم و با دنبال کردن خط آهن، خودمون رو به ایستگاه برسونیم. ما تا به حال این راه رو امتحان نکردیم.»



فیلیس که ظاهراً ترسیده بود، گفت: «من دم نمی‌خواد. این راه امنی به نظر نمی‌رسه.»

پیتر سر به سر او گذاشت: «نی‌نی کوچولو! گربه‌ی ترسو!»

گهوڙگان راه آهن

فصل سوم

قرمز یعنی خطر



بچه‌ها به خاطر ناراحت کردن مادر، احساس بدی داشتند. بابی گفت: «من می‌دونم که چی سر حالمون میاره! ما از آقای پرکز می‌خوایم تا مجله‌هایی رو که مردم در قطارها جا می‌ذارن، برامون کنار بگذاره. مطمئناً خوندنشون سرگرم کننده است.»